فصلنامهٔ گویش‌پژوهی
نشریهٔ علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
شاپا چاپی: ۵۲۲۵-۲۶۷۶
دورهٔ ۱، شمارهٔ ۳، پائیز ۱۴۰۴

ساخت وجه امکانی در زبان ختنی

The potential construction in Khotanese

فریبا شریفیان [۱] ✉

[۱] دانشیار فرهنگ و زبان‌های باستانی، گروه زبان‌های باستانی و متون کهن، پژوهشکدهٔ زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.
نویسنده مسئول: f.sharifian@richt.ir

Fariba Sharifian [1] ✉

[1] Associate Professor of Ancient Languages and Culture, Department of Ancient Languages and Manuscripts, Research Center for Linguistics, Inscriptions and Manuscripts, Research Institute for Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran. Corresponding author: f.sharifian@richt.ir

اطلاعات مقاله

تاریخ‌ها
دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

واژگان کلیدی
ختنی
وجه امکانی
مفهوم توانستن
صفت مفعولی
تقدم زمانی
افعال کمکی

چکیده

ساخت امکانی در زبان‌های ایرانی، ساختاری ترکیبی از صفت مفعولی گذشته و فعل کمکی است که مفاهیمی چون توانایی، امکان، تکمیل عمل و تقدم زمانی را بیان می‌کند. این ساخت، با وجود کاربرد محدود در فارسی باستان، در زبان‌های ایرانی میانه، از جمله سغدی و ختنی، گسترش یافته و کارکردهای وجهی و جنبه‌ای پیدا کرده است. در زبان ختنی، این ساخت از ترکیب صفت مفعولی با فعل کمکی تشکیل می‌شود. صورت معلوم یا متعدی آن با فعل -yan («کردن») برای بیان امکان و توانایی و صورت مجهول یا لازم آن با فعل -häm («شدن») برای بیان امکان مجهول، تکمیل عمل یا تقدم زمانی به کار می‌رود. هدف پژوهش حاضر، بررسی توصیفی‌ـتحلیلی و تطبیقی این ساخت در زبان ختنی، تبیین کارکردهای چندگانهٔ وجهی و جنبه‌ای آن و تعیین جایگاهش در الگوی ردهشناختی زبان‌های ایرانی میانه شرقی است. یافته‌ها نشان می‌دهند که این ساخت صرفاً برای جبران خلأ واژگانی به کار نمی‌رود؛ زیرا زبان ختنی فعل مستقلی برای بیان مفهوم «توانستن» نیز دارد. بنابراین، ساخت امکانی را باید ساختی دستوری‌شده با کارکردهای چندگانه دانست. همچنین، مقایسه‌ای تطبیقی میان این ساخت در زبان ختنی و ساخت مشابه در زبان سغدی صورت گرفته است.

Abstract: The potential construction in Iranian languages is a compound structure consisting of a past passive participle and an auxiliary verb, expressing notions such as ability, possibility, completion, and anteriority. Although attested only to a limited extent in Old Persian, this construction became more developed in Middle Iranian languages, including Sogdian and Khotanese, where it acquired both modal and aspectual functions. In Khotanese, the construction is formed by combining a past passive participle with an auxiliary verb. Its active or transitive form employs the auxiliary yan- (“to do”) to express possibility and ability, whereas its passive or intransitive form uses häm- (“to become”) to convey passive possibility, completion, or anteriority. This study aims to provide a descriptive, analytical, and comparative examination of the construction in Khotanese, elucidate its multiple modal and aspectual functions, and determine its position within the typological patterns of Eastern Middle Iranian languages. The findings indicate that the construction does not merely compensate for a lexical gap, since Khotanese also possesses an independent verb expressing the notion of “being able to.” Accordingly, the potential construction should be regarded as a grammaticalized structure with multiple functions. The study also provides a brief comparative analysis of the corresponding construction in Sogdian.

History
Received: June 11, 2025
Accepted: Aug. 20, 2025

Keywords
Khotanese
potential mood
concept of ability
past participle
temporal anteriority

استناد: شریفیان، فریبا (۱۴۰۴). ساخت وجه امکانی در زبان ختنی. *گویش‌پژوهی*، ۱ (۳)، ۷۱-۷۷.
https://doi.org/

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، فصلنامهٔ گویش‌پژوهی، مجلهٔ علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

۱. مقدمه

زبان ختنی از گروه شرقی زبان‌های ایرانی میانه و شاخهٔ سکایی است. این زبان از حدود سدهٔ پنجم تا یازدهم میلادی در ناحیهٔ ختن (در جنوب حوزهٔ تاریم، سین‌کیانگ امروز) و نواحی مجاور رواج داشته است. آثار موجود از این زبان چشم گیر و متنوع و در مقایسه با دیگر زبان‌های ایرانی میانهٔ شرقی، از حجم قابل‌توجهی برخوردار است. این آثار را می‌توان با توجه به محتوایشان به دو گروه دینی و غیردینی تقسیم کرد. متون غیردینی شامل اسناد اداری، نامه‌ها، متون پزشکی، واژه‌نامه‌ها و آثار پراکندهٔ دیگر است. آثار دینی عمدتاً در خدمت باورها و اعتقادات بودایی‌اند و اغلب ترجمه‌هایی از متون سنسکریت به‌شمار می‌آیند. خط به‌کارگرفته شده برای نگارش زبان ختنی گونه‌ای از خط براهمی (با ویژگی‌های خاص آسیای میانه) بوده است (طامه، ۱۳۹۵؛ بیلی[1]، ۱۹۴۵؛ اِمریک[2]، ۱۹۸۹).

پیکرهٔ اصلی ادبیات ختنی بر پایهٔ آثار ترجمه‌ای استوار است. بیشتر آثار بودایی ختنی از سنسکریت ترجمه شده‌اند که تنها اصل بعضی از آن‌ها موجود است و اصل بسیاری از آن‌ها را می‌توان از روی ترجمه‌های تبتی و چینی موجود، که اصل سنسکریت آن‌ها از میان رفته است، بازشناخت (ریپکا[3]، ۱۹۶۸؛ درسدن، ۱۳۵۳؛ تفضلی، ۱۳۷۶).

تاریخ ضبط ختنی قدیم و ختنی جدید، پیش از سدهٔ هفتم میلادی است. هسوان تسانگ یکی از زایران بودایی چینی، این نام را حدود سال ۶۴۰ میلادی، در زبان محلی محاوره‌ای همان دوران به شکل Huan.na و صورت ایرانی آن را Huo.tan ضبط کرده که صورت ثانوی -hvamana است. دیگر زائر چینی به نام فا هسین که بر اساس نوشته‌های بودایی هند در سال ۴۰۰ میلادی وارد ختن شد، آن را خطه‌ای دلگشا با جمعیتی رو به رشد توصیف می‌کند. او سکنهٔ ختن را بودایی، دوستدار موسیقی و پیرو مکتب مهایانه معرفی می‌کند. نام ختن در منابع چینی به صورت‌های مختلف آمده است (میرفخرایی، ۱۳۸۳؛ پوری[4]، ۱۹۹۳).

مواجههٔ زبان ختنی با مفهوم «توانستن» قابل‌توجه است. وجه امکانی[5] در زبان ختنی ساختی ترکیبی[6] است که از ترکیب صفت مفعولی گذشته[7] با یکی از دو فعل کمکی -yan («کردن») یا -häm («شدن») تشکیل می‌شود. این ساخت دو صورت اصلی دارد: (۱) صورت معلوم/متعدی با -yan که امکان یا توانایی فاعل را بیان می‌کند (معمولاً در بافت منفی به معنای «نتوانستن»)؛ (۲) صورت مجهول/لازم با -häm که امکان مجهول یا تقدم زمانی و اتمام عمل را می‌رساند. این ساخت از نظر معنایی هم وجهی[8] و هم جنبه‌ای[9] است و با ساخت‌های مشابه در سغدی موازی است.

پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از: (۱) ساخت وجه امکانی در زبان ختنی چگونه از نظر صرفی- نحوی و معنایی عمل می‌کند و چه کارکردهایی دارد؟ (۲) رابطهٔ این ساخت با وجود یا عدم وجود فعل مستقل «توانستن» در ختنی چیست و آیا صرفاً جبران کمبود واژگانی است؟ (۳) این ساخت در مقایسه با potentialis در سغدی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد و چه سهمی در فهم الگوهای مشترک زبان‌های ایرانی میانه شرقی دارد؟

ضرورت پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که اگرچه امریک (۱۹۶۸a؛ ۱۹۸۷) توصیف دقیقی از این ساخت ارائه داده و سیمز-ویلیامز[10] (۲۰۰۸/۲۰۰۷) potentialis در سغدی را مستقل تحلیل کرده است، هنوز تحلیل یکپارچه‌ای که کارکردهای وجهی و جنبه‌ای، آرایش نحوی، و جایگاه رده‌شناختی این ساخت را در چارچوب گسترده‌تر زبان‌های ایرانی

[1] H. W. Bailey
[2] R. E. Emmerick
[3] J. Rypka
[4] B. N. Puri
[5] potential
[6] periphrastic
[7] past participle
[8] modal
[9] aspectual
[10] N. Sims-Williams

میانه شرقی مشخص کند، انجام نشده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر متون اصلی ختنی و مقایسه نظام‌مند با سغدی، این خلأ را پر می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش درباره بیان «توانستن» و ساخت‌های امکانی در زبان‌های ایرانی سابقه‌ای دیرینه دارد. بنونیست[1] (۱۹۵۴) در مقاله‌ای کلاسیک، بیان «توانستن» را در چارچوب گسترده‌تر زبان‌های ایرانی بررسی کرد و ساخت‌های ترکیبی مبتنی بر صفت مفعولی + فعل کمکی را در فارسی باستان، سغدی و دیگر زبان‌ها مقایسه نمود. او نشان داد که این ساخت‌ها اغلب از ریشه‌های «کردن» و «شدن» مشتق می‌شوند و لزوماً از فعلی با معنای اصلی «توانستن» ساخته نمی‌شوند.

امریک (۱۹۶۸a) در Saka Grammatical Studies توصیف دقیق و نظام‌مندی از ساخت امکانی ختنی ارائه داد و نمونه‌های متعددی از متون ختنی (به‌ویژه Book of Zambasta) را تحلیل کرد. او در مقالهٔ (۱۹۸۷) خود با عنوان «Auxiliaries in Khotanese» این ساخت را در چارچوب افعال کمکی ختنی بازبینی نمود و کارکردهای امکان، توانایی و تقدم زمانی را مشخص ساخت. همچنین در مدخل «Khotan iv. The Khotanese Language» در ایرانیکا خلاصه‌ای روشن از این ساختار ارائه کرد.

سیمز–ویلیامز (۲۰۰۸/۲۰۰۷) potentialis سغدی را به‌طور مستقل و با جزئیات صرفی– نحوی بررسی کرد و نشان داد که در سغدی نیز ترکیب مادهٔ گذشته با افعال کمکی -kwn-/wn- و-β(w) کارکرد مشابهی دارد. او بر تمایز میان کارکرد وجهی و جنبه‌ای این ساخت تأکید ورزید.

فیلیپونه[2] (۲۰۱۵) با فاصله‌گرفتن از تحلیل سنتی «توانستن» در فارسی باستان، استدلال کرد که ساخت موسوم به potential در کتیبه‌های هخامنشی لزوماً نباید به‌سادگی به‌عنوان بیان توانایی تحلیل شود، بلکه در برخی موارد راهبردهای تولید و ترجمه متن مطرح است. این دیدگاه نشان می‌دهد که تفسیر صرف «ability» برای این ساخت‌ها ممکن است ساده‌انگارانه باشد و باید بافت متنی و راهبردهای زبانی را نیز در نظر گرفت.

کورن[3] (۲۰۱۳) در مقاله‌ای مهم رابطهٔ افعال -kar و -bav، ساخت‌های مرکب، گذرایی[4] ، وجه[5] و کاربرد همین افعال به‌عنوان فعل کمکی[6] در ساخت وجه امکانی[7] را در چارچوب گسترده‌تر تحلیل کرد. او این ساخت را در کنار گذشتهٔ گذرا[8] و مجهول تحلیلی[9] و قرار می‌دهد و مسئله را در سطح نظری گسترده‌تری از ساخت‌های مرکب ایرانی بررسی می‌کند. این رویکرد برای پژوهش حاضر بسیار مفید است، زیرا نشان می‌دهد ساخت امکانی ختنی بخشی از الگوی گسترده‌تر افعال کمکی و ساخت‌های مرکب در زبان‌های ایرانی است.

با وجود این پژوهش‌های بنیادی، هنوز شکاف پژوهشی مشخصی باقی است: (۱) توصیف‌های موجود عمدتاً پراکنده یا محدود به یک زبان هستند و تحلیل تطبیقی نظام‌مند میان ختنی و سغدی با تمرکز بر کارکردهای چندگانه (وجهی + جنبه‌ای) کمتر انجام شده است؛ (۲) جایگاه نحوی صفت مفعولی و آرایش سازه‌ها در چارچوب رده‌شناسی زبان (جفت‌های همبستگی درایر و الگوهای OV) به‌اندازهٔ کافی بررسی نشده است؛ (۳) رابطهٔ میان وجود فعل مستقل «توانستن» در ختنی و کارکرد دستوری‌شدهٔ ساخت امکانی نیازمند تبیین دقیق‌تری است. پژوهش حاضر با گردآوری و

[1] É. Benveniste
[2] E. Filippone
[3] A. Korn
[4] transitivity
[5] voice
[6] auxiliary
[7] potential construction
[8] transitive preterite
[9] analytic passive

تحلیل نمونه‌های مشخص از متون ختنی، برچسب‌گذاری صرفی- نحوی آن‌ها، و مقایسه با سغدی، این خلاءها را پر می‌کند و سهم مشخص خود را در روشن‌ساختن ماهیت دستوری‌شدهٔ این ساخت نشان می‌دهد.

۳. روش بررسی

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تطبیقی انجام شده است. پیکرهٔ داده‌ها عمدتاً از منابع اصلی زیر استخراج شده است: (۱) کتاب زمبستا (ویراستهٔ امریک، ۱۹۶۸b)؛ (۲) متون سوتره‌ای ختنی (ویراستهٔ بیلی، ۱۹۸۱) و (۳) اسناد اداری و متون پراکنده ختنی. معیار انتخاب نمونه‌ها عبارت بود از: وجود ترکیب صفت مفعولی -yan + یا -häm با کارکرد امکانی/ تقدم زمانی؛ پوشش هر دو صورت معلوم و مجهول؛ حضور در بافت مثبت و منفی؛ و امکان مقایسه با ساخت مشابه سغدی. در مجموع بیش از بیست نمونهٔ اصلی شناسایی و تحلیل شد که از میان آن‌ها نمونه‌های نماینده با ذکر دقیق منبع (متن، بند/ سطر) در بخش یافته‌ها ارائه می‌شود.

شیوه تحلیل صرفی-نحوی شامل موارد زیر است: (الف) تجزیه واژه‌به‌واژه و برچسب‌گذاری صرفی[1] بر اساس استانداردهای زبان‌شناسی تاریخی ایرانی؛ (ب) بررسی توافق یا عدم توافق صفت مفعولی با فاعل/ مفعول؛ (ج) تحلیل آرایش سازه‌ها (موقعیت صفت مفعولی نسبت به فعل کمکی)؛ (د) تعیین کارکرد معنایی (امکان معلوم، امکان مجهول، تقدم زمانی، اتمام عمل) بر اساس بافت جمله. مقایسهٔ تطبیقی با سغدی بر اساس توصیفات بنویست (۱۹۵۴) و سیمز-ویلیامز (۲۰۰۸/۲۰۰۷) و با توجه به چارچوب نظری کورن (۲۰۱۳) انجام شده است. در بخش رده‌شناختی، از جفت‌های همبستگی درایر[2] (۱۹۹۲) و معیارهای دبیرمقدم (۱۴۰۲) برای تعیین الگوی OV و هسته‌پایانی استفاده شده است.

۴. یافته‌ها و بحث

۴-۱. ساخت امکانی در زبان ختنی

دستگاه واج‌شناختی، صرفی و نحوی زبان ختنی در میان زبان‌های ایرانی میانه، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. این زبان نسبت‌به همخوان‌های ایرانی باستان برخوردی نسبتاً محافظه‌کارانه داشته، اما نوآوری‌های مهمی نیز نشان داده است؛ از جمله گسترش همخوان‌های برگشته[3]، انسدادی‌های دمیده و سایشی‌های ویژه. دستگاه صرفی زبان ختنی نیز نسبتاً غنی است و تمایز سه جنس، دو شمار اصلی و چندین حالت را حفظ کرده است (امریک، ۱۹۶۸a؛ شرو[4]، ۲۰۰۲)

دستگاه فعلی ختنی ویژگی‌های باستانی بسیاری حفظ کرده و ساخت‌های ترکیبی متعددی دارد، از جمله ساخت امکانی. ساخت وجه امکانی از دو سازه تشکیل می‌شود: مادهٔ گذشته (صفت مفعولی) که بازنمای فعل اصلی است و فعل کمکی صرف‌شونده. فعل کمکی در صورت معلوم/ متعدی -yan («کردن») و در صورت مجهول/ لازم -häm («شدن») است. هیچ‌یک از این افعال کمکی از ریشه‌ای با معنای اصلی «توانستن» ساخته نشده‌اند، بلکه از طریق ترکیب با صفت مفعولی مفهوم امکان و توانایی را پدید آورده‌اند (بنویست، ۱۹۵۴؛ امریک، ۱۹۸۷: ۲۷۹–۲۸۸؛ سیمز-ویلیامز، ۲۰۰۷). این ساخت اغلب با ادات نفی (-ne) همراه است و بر «نتوانستن» دلالت دارد.

---

[1] glossing
[2] M. S. Dryer
[3] retroflex
[4] P. O. Skjærvø

۴-۲. ساخت وجه امکانی معلوم (فعال/ متعدی) با -yan

صورت معلوم با ترکیب صفت مفعولی -yan + ساخته می‌شود و امکان یا توانایی فاعل را بیان می‌کند. این کاربرد اغلب در جملات منفی به کار می‌رود. صفت مفعولی معمولاً در حالت مفعولی مفرد خنثی یا مذکر تعمیم‌یافته ظاهر می‌شود و توافق کامل با مفعول لزوماً حفظ نمی‌شود (امریک، ۱۹۸۷).

نمونه‌های نماینده:

مثال ۱:

ne	*haṃkhäṣṭu*	*yanīndä*
ne	haṃkhäṣṭu	yan-īndä
NEG	counted.PP.N	do-3PL.PRS

«نمی‌توانند بشمارند / قادر به شمارش نیستند» (امریک، ۱۹۶۸b؛ ۱۹۸۷). ترجمه دوم («قابل شمارش نیستند») تفسیر مجهول‌گونه است که در برخی بافت‌ها ممکن است، اما در این ساخت معلوم، معنای اصلی «عدم توانایی فاعل در انجام عمل شمارش» است.

مثال ۲:

ne	*balysu …*	*jsīḍu*	*yanīndä*
ne	balysu	jsīḍu	yan-īndä
NEG	Buddha.ACC	deceived.PP	do-3PL.PRS

«نمی‌توانند بودا را فریب دهند» (امریک، ۱۹۶۸b؛ ۱۹۸۷).

مثال ۳:

ne	*haute*	*biśśä*	*dukha*	*näṣem-ä*
ne	haute	biśśä	dukha	näṣem-ä
NEG	able.1SG	all	pains	calm-INF

«نمی‌توانم همهٔ رنج‌ها را آرام کنم» (امریک، ۱۹۶۸b؛ ۱۹۸۷). این نمونه نشان‌دهنده وجود فعل مستقل برای «توانستن» (haute) در کنار ساخت امکانی است.

۴-۳. ساخت وجه امکانی مجهول/لازم و تقدم زمانی با häm-

صورت مجهول/ لازم با ترکیب صفت مفعولی -häm + («شدن») ساخته می‌شود و امکان مجهول یا تقدم و اتمام عمل را می‌رساند. در این ساخت، توافق صفت مفعولی با فاعل معمولاً حفظ می‌شود. این کارکرد تقدم زمانی در بندهای زمانی رایج است و با ساخت مجهول تحلیلی ختنی (نیز با -häm یا väta–) همپوشانی دارد ولی متمایز است (امریک، ۱۹۸۷؛ ایرانیکا، ختنی iv).

مثال ۴:

haṃkhiṣṭa	*hime*
haṃkhiṣṭa	him-e
counted.PP	become-3SG.PRS

«قابل شمارش است / می‌تواند شمرده شود» (امریک، ۱۹۶۸b؛ ۱۹۸۷).

مثال ۵:

cītä	*hā*	*tsue*	*himäte*
cītä	hā	tsue	him-äte
when	he	gone.PP	become-3SG.SBJV

«چون او به آنجا رفته باشد / وقتی رفته باشد» (امریک، ۱۹۶۸b؛ ۱۹۸۷). این نمونه کارکرد تقدم زمانی را به‌روشنی نشان می‌دهد.

۴-۴. رابطه ساخت امکانی با فعل مستقل «توانستن»

برخلاف زبان سغدی که فاقد فعل مستقل رایج برای «توانستن» است و ساخت امکانی عمدتاً این کمبود را جبران می‌کند، زبان ختنی فعل مستقلی مانند haute («توانستن») دارد (نمونه ۳). بنابراین ساخت امکانی در ختنی صرفاً جبران کمبود واژگانی نیست، بلکه ساختی دستوری‌شده[1] است که کارکردهای چندگانه وجهی (امکان/ توانایی) و جنبه‌ای (تقدم/ اتمام) را پوشش می‌دهد. این نکته با دیدگاه کورن (۲۰۱۳) درباره نقش افعال کمکی -kar و -bav در ساخت‌های مرکب ایرانی همخوانی دارد.

۴-۵. آرایش سازه‌ها و رده‌شناسی

در ساخت امکانی، صفت مفعولی (بازنمای فعل اصلی) پیش از فعل کمکی می‌آید. صفت مفعولی در این ساخت جایگاه نحوی یک عنصر غیرصرفی[2] را دارد که همراه با فعل کمکی یک ساخت مرکب[3] تشکیل می‌دهد. این آرایش با جفت‌های همبستگی درایر (۱۹۹۲) برای زبان‌های OV (مفعول + فعل) و ترتیب «عبارت فعلی + فعل کمکی زمان–نمود/ وجه» سازگار است. بر اساس معیارهای دبیرمقدم (۱۴۰۲) نیز، این ساخت نشان‌دهنده الگوی هسته‌پایانی[4] زبان‌های ایرانی است. با این حال، صفت مفعولی خود به‌عنوان هسته معنایی عمل می‌کند و فعل کمکی نقش دستوری (نمود/ وجه/ زمان) دارد؛ بنابراین صرف وجود ترتیب «صفت مفعولی + کمکی» به‌تنهایی مصداق کامل الگوی OV نیست، بلکه بخشی از ساخت مرکب هسته‌پایانی است. این الگو با ساخت سغدی (مادهٔ گذشته + -(kwn-/wn-/β(w)- موازی است.

۵. نتیجه‌گیری

ساخت وجه امکانی ختنی راهکاری ترکیبی موازی با سغدی است که با -yan امکان/ توانایی معلوم و با -häm امکان مجهول یا تقدم/ اتمام را بیان می‌کند. این ساخت نمونه‌ای از نوآوری‌های مشترک زبان‌های ایرانی میانهٔ شرقی در بیان مقوله‌های وجهی و جنبه‌ای است. شواهد زبانی (وجود فعل مستقل haute در کنار ساخت امکانی، کارکردهای چندگانه وجهی و جنبه‌ای، و آرایش نحوی سازگار با الگوهای هسته‌پایانی) نشان می‌دهد که این ساخت صرفاً جبران واژگانی نبوده، بلکه ساختی دستوری‌شده با کارکردهای مستقل است. آرایش سازه‌های آن با الگوهای رده‌شناختی OV و کمکی‌های زمان–نمود/ وجه همخوانی دارد و جایگاه آن در چارچوب گسترده‌تر ساخت‌های مرکب ایرانی (مطابق تحلیل کورن (۲۰۱۳)) قابل تبیین است. پژوهش حاضر با ارائه تحلیل صرفی– نحوی دقیق نمونه‌ها، مشخص‌کردن شکاف پژوهشی نسبت به مطالعات امریک (۱۹۶۸b) و سیمز–ویلیامز (۲۰۰۷) و مقایسه نظام‌مند با سغدی، سهم مشخصی در روشن‌ساختن ماهیت این ساخت ایفا می‌کند.

منابع

تفضلی، احمد (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. ویراستهٔ ژاله آموزگار. تهران: نشر سخن.

دبیرمقدم، محمد (۱۴۰۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. جلد ۱ و ۲، تهران: سمت.

طامه، مجید (۱۳۹۵). *ختن و زبان ختنی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۳). *درآمدی بر دستور زبان ختنی: دستور، متن گزیده، واژه‌نامه*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

[1] grammaticalized
[2] non-finite
[3] complex predicate
[4] head-final

Bailey, H. W. (1945). “The Khotan Dharmapada”. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, *11*(3), 488–512.

−−−−−−−−−−. (1979). *Dictionary of Khotan Saka*. Cambridge: Cambridge University Press.

Benveniste, É. (1954). “Expression de “pouvoir” en iranien”. *Bulletin de la Société de Linguistique de Paris*, 50, 56–67.

Dabir-Moghaddam, M. (2023). *Typology of Iranian Languages (Vols. 1–2)*. Tehran: SAMT. [In Persian]

Dresden, M. J. (1974–75). “Middle Iranian Languages” (trans. A. Tafazzoli). *Journal of Historical Studies*, *9*(6), 13–54.

Dryer, M. S. (1992). “The Greenbergian word order correlations”. *Language*, *68*(1), 81–138.

Emmerick, R. E. (1968a). *Saka Grammatical Studies*. London: Oxford University Press (London Oriental Series 20).

−−−−−−−−−. (1968b). *The Book of Zambasta: A Khotanese Poem on Buddhism*. London: Oxford University Press.

−−−−−−−−−. (1987). “Auxiliaries in Khotanese”. In M. Harris & P. Ramat (Eds.), *Historical Development of Auxiliaries*. Berlin: Mouton de Gruyter, 271–290.

−−−−−−−−−. (1989). “Khotanese and Tumshuqese”. In R. Schmitt (Ed.), *Compendium Linguarum Iranicarum*, Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag, 204–229.

−−−−−−−−−. (2009). “Khotanese and Tumshuqese”. In G. Windfuhr (Ed.), *The Iranian Languages* London/New York: Routledge, 377–415.

Emmerick, R. E. (2022). Khotan iv. The Khotanese Language. Encyclopaedia Iranica. Available at: https://www.iranicaonline.org/

Filippone, E. (2015). “The So-called Old Persian ‘Potential Construction’ (Being Text Production Strategies and Translation Strategies in the Achaemenid Documentation, III)”. In I. Szántó (Ed.), *From Aṣl to Zā’id: Essays in Honour of Éva M. Jeremiás*, 27–55.

Hitch, D. (2021). “The Khotanese verb and the Middle Iranian verbal system”. *Journal of the American Oriental Society*, *141*(1), 1–28.

Korn, A. (2013). “Looking for the Middle Way: Voice and Transitivity in Complex Predicates in Iranian”. *Lingua*, *135*, 30–55.

Mirfakhrai, M. (2005). *An Introduction to the Khotanese Language: Grammar, Selected Text, Glassory*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

Puri, B. N. (1993). *Buddhism in Central Asia*. Delhi: Motilal Banarsidass.

Rypka, J. (1968). *History of Iranian Literature*. Edited by K. Jahn. Dordrecht: D. Reidel Publishing Company.

Sims-Williams, N. (2007/2008). “The Sogdian potentialis. In M. Macuch”, M. Maggi & W. Sundermann (Eds.), *Iranian Languages and Texts from Iran and Turan*: Ronald E. Emmerick Memorial Volume (Iranica 13, 377–386). Wiesbaden: Harrassowitz.

Skjærvø, P. O. (2002). *Khotanese Manuscripts from Chinese Turkestan in the British Library: A Complete Catalogue with Texts and Translations* (with U. Sims-Williams). London: The British Library (Corpus Inscriptionum Iranicarum).

Tafazzoli, A. (1997). *History of Iranian Literature before Islam*. Edited by Zh. Amuzegar. Tehran: Nashr-e Sokhan. [In Persian]

Tameh, M. (2016). *Khotan and the Khotanese Language*. Tehran: Daftar-e Pazhuhesh-ha-ye Farhangi. [In Persian]